



Analytical Examination of Shia Narrations and Jurisprudential Opinions on the Legitimacy of Children's Acts of Worship

Hamid Reza Yaghmaei^{1✉} | Sayyed Ali Sajjadizadeh²

1. Corresponding Author, level 4 Seminary Student at Hawza 'Ilmiyya Khorasan, Iran.; Deputy Prosecutor of the Public and Revolutionary Prosecutor's Office of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: h.yaghmayi@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: sajjadizadeh@razavi.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Review

Article history:

Received: May 5 2024

Received in revised form: 27

October 2024

Accepted: 22 January 2025

Available online: 22 January
2025

Keywords:

*Legitimacy of a child's
worship, legitimacy
children's ritual acts,
obligation of prayer for
children, preparatory nature
of rituals*

Shia Jurists (Arabic: فقهاء fuqaha) regard puberty one of the general conditions for the Islamic religious obligation. In this context, a debate arises concerning discerning children who have not yet reached puberty whether their ritual acts are merely preparatory training or should be considered valid religious practices in shari'ah (Arabic: شريعة) terms. After stating diverse scholarly positions, this study has conducted the detailed study of the two theories' legitimacy and illegitimacy of children's acts of worship and has reviewed the evidence of these two theories alongside juristic critique and analysis. Additionally, special attention has been given to the relevant narrations (riwāyāt) on this subject, as despite the abundance of narrations being sources of shari'ah rulings these narrations have not yet been comprehensively classified or subjected to in-depth analysis, and remain in their raw form within existing hadith collections. This note has endeavored to compile, categorize, and reason from these narrations to examine the subject. This note which has been organized through a descriptive-analytical methodology demonstrates after Islamic jurisprudential examination, critique and analysis of the evidence that the view affirming the non-obligatory nature of religious duties for children, while simultaneously recognizing the legitimacy of their ritual practices, is substantiated by robust and conclusive evidence.

Cite this article: Yaghmaei, H.R. & Sajjadizadeh, S.A. (2024). Analytical Examination of Shia Narrations and Jurisprudential Opinions on the Legitimacy of Children's Acts of Worship. *Ibadah Fiqh Doctrines*, 4 (6), 141-162. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.6010.1191>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

بررسی تحلیلی روایات و آرای فقهی در مشروعیت عبادات کودکان

حمیدرضا یغمائی^۱ | سید علی سجادی‌زاده^۲

۱. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران؛ دادیار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد مقدس. مشهد، ایران.

رایانامه: h.yaghmayi@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

sajadizadeh@razavi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۱/۳ کلیدواژه‌ها: مشروعیت عبادۃ الصبی، مشروعیت، عبادت کودکان، وجوب نماز بر کودکان، تمرینی بودن عبادات.	فقیهان بلوغ را یکی از شرایط عامه تکلیف دانسته‌اند. در این راستا، بحثی در مورد کودکان ممیزی که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند مطرح شده است که آیا اعمال عبادی آنان صرفاً تمرینی است یا عملی شرعی محسوب می‌شود؟ در این مقاله، پس از ذکر نظریات مختلف، به بررسی تفصیلی دو نظریه مشروعیت و عدم مشروعیت عبادات کودکان پرداخته شده و ادله هریک، همراه با نقد و نظر فقهی، بررسی گردیده است. همچنین، تمرکز ویژه‌ای بر روایات مرتبط با این موضوع شده، زیرا با وجود کثرت روایات که منشأ احکام شرعی‌اند، تاکنون این روایات به‌طور جامع دسته‌بندی و بررسی عمیق نشده‌اند و به‌صورت خام در کتب روایی موجودند. در این نوشتار، سعی شده است تا با تجمیع، تبویب و استدلال از این روایات، به تحلیل موضوع پرداخته شود. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، پس از بررسی فقهی ادله و نقد و تحلیل آن‌ها، به این نتیجه رسیده‌ایم که دیدگاه عدم الزام‌آوری تکالیف برای کودکان، در عین مشروعیت عبادات برای آنان، دارای ادله‌ای محکم و متقن می‌باشد.

استناد: یغمائی، حمیدرضا؛ سجادی‌زاده، سید علی. (۱۴۰۳). بررسی تحلیلی روایات و آرای فقهی در مشروعیت عبادات کودکان. آموزه‌های فقه عبادی، ۴ (۶)، ۱۴۱-۱۶۲.

<https://doi.org/10.30513/jwd.2025.6010.1191>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



© نویسندگان.

مقدمه

فقیهان، یکی از نخستین شروط لازم برای تکالیف الزام آور شرعی را بلوغ می دانند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳۶). در آیه ۵۹ سوره نوره شرط بلوغ اشاره شده است: ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا﴾. براین اساس، در صورت نبود بلوغ، هیچ حکم الزام آور تکلیفی - نه وضعی - برای کودکان وجود ندارد (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۹۱) و فقها در این زمینه اتفاق نظر دارند.

اما در بُعدی دیگر، موضوع مشروعیت اعمال عبادی کودکان مطرح می شود؛ از آنجا که انجام تکالیف شرعی منوط به وجود امر است و این امر به طور خاص به بالغین تعلق دارد، بنابراین برای کودکان امری وارد نشده است. در این راستا، این پرسش پیش می آید که آیا عبادت بدون وجود امر صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا انجام چنین عبادتی مشروع به شمار می آید؟

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که به جنبه های تربیتی آن برای والدین و کودکان توجه شود. والدین ممکن است با این تصور که عبادات کودک هیچ تأثیری نخواهد داشت و صرفاً تمرینی است، انگیزه خود را برای تشویق کودک و تربیت او نسبت به عبادت از دست بدهند. همچنین، اگر کودکان از این موضوع آگاه شوند، ممکن است انجام اعمال عبادی را عملی بی فایده تلقی کرده و انگیزه ای برای انجام آن نداشته باشند.

در این خصوص، مقالاتی به نگارش درآمده است که از دو جهت ناقص می نماید: **جهت اول:** هیچ یک از مقالات نوشته شده در این زمینه به بررسی روایات مسئله نپرداخته اند. از این رو، در این جستار، توجه ویژه ای به روایات مغفول مانده در منابع فقهی شده است. همچنین، یکی از نکات برجسته این مقاله، تحلیل تأثیر تربیتی مشروعیت یا عدم مشروعیت عبادات کودکان بر والدین و کودکان است؛ جنبه ای که در مقالات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، این مقاله تلاش کرده است تا ادله فقهی را به شیوه ای منسجم تر و بهینه تر دسته بندی کند تا خوانندگان بتوانند با سهولت بیشتری به تحلیل استدلال ها و روایات دست یابند.

جهت دوم: به طور خاص، از میان این مقالات می‌توان به مقاله «بررسی احکام وضعی و تکلیفی صبیان از نگاه فقه امامیه» اثر «مهدی مقدادی داوودی» (پژوهش‌های فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۳۹۸، شماره ۲) اشاره کرد. نویسنده در آغاز، به اختصار به پژوهش خود در زمینه احکام وضعی و تکلیفی صبیان پرداخته است و تحقیق او جامع در این خصوص نیست. همچنین، مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مشروعیت عبادات کودکان نابالغ از منظر فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)» نوشته «محمد عاصف افتخاری» (خانواده در آینه فقه، ۱۳۹۹، شماره ۵) نیز به ادله فقهی مسئله به صورت ناقص و گذرا پرداخته است و بررسی عمیقی صورت نگرفته است. علاوه بر این، مقاله «بررسی مشروعیت عبادات کودکان از دیدگاه فقه امامیه» اثر «محمدرضا محمدزاده رهنی و حسن فریدی» (مطالعات حقوق اسلامی، ۱۳۹۰، شماره ۲۵) نیز صرفاً به ادله نظریه مورد تأیید نویسندگان پرداخته و ادله اقوال دیگر را به صورت ناقص ذکر کرده است. لذا در این جستار، با تمرکز بر ادله فقهی، تلاش می‌شود تا بررسی دقیق‌تری از ادله همه نظرات، به ویژه روایات مرتبط با این مسئله، صورت گیرد. هدف آن است که با تفقه در روایات و ادله، دسته‌بندی و نتیجه‌گیری جامعی انجام شود تا حکم این مسئله به نزدیک‌ترین شکل ممکن به مذاق شارع کشف گردد.

۱. توضیح اصطلاحات

۱-۱. صبی

در لغت، واژه «صبی» به معنای کودک است (فیروزآبادی، ۱۴۲۴، ص ۱۱۹۶). گرچه ابن منظور «صبی» را به معنای «نوزاد» تعریف کرده و آن را از زمان تولد تا رسیدن به تکلم می‌داند، اما او نظری از ابن سیده نقل می‌کند که «صبی» را به معنای کودک می‌شناسد و جمع آن «صَبِیَّة» و «صَبِیان» است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۵۰). در اصطلاح فقهی، «صبی» به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. این بلوغ به یکی از سه علامت زیر بستگی دارد: سن پانزده سال قمری، روییدن موی زهار و احتلام در پسران، و یا سن نه سال قمری (که در آن اختلاف نظر وجود دارد) و همچنین حیض و بارداری در دختران (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۲-۴۶).

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ۱۴۵...

در تقسیم دیگری، علائم بلوغ به دودسته مشترک میان پسر و دختر، و مختص به دختر تقسیم شده‌اند. علائم مشترک شامل رویدن مو، احتلام و رسیدن به سن مشخص است؛ در حالی که علائم مختص به دختران، شامل حیض و بارداری می‌باشد. سن بلوغ پانزده سال برای پسران و نه سال برای دختران در نظر گرفته شده است، در حالی که اهل سنت در این سنین با شیعه اختلاف نظر دارند (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۸۶).

در مقابل «صبی»، واژه «بالغ» قرار دارد که به فردی اطلاق می‌شود که به سنی رسیده است که ملزم به رعایت قوانین شرعی می‌گردد و علائم فوق‌الذکر در او پدیدار شده است. در این نوشتار، هرگاه واژه «صبی» به کار می‌رود، منظور «صبی ممیز» است که توانایی انجام عبادات را دارد.

۲-۱. ممیز

در اصطلاح فقهی، «ممیز» به کودکی اطلاق می‌شود که توانایی تشخیص خوب از بد را دارد، اما هنوز به بلوغ نرسیده است. هرچند سن بلوغ در کودکان مشخص است، اما سن تمیز به سبب تفاوت استعداد، درک و هوش در افراد مختلف، متفاوت است و نمی‌توان برای آن سن ثابتی تعیین کرد. برخی از فقها، سنین هفت، هشت یا ده سال را به عنوان سن تمیز ذکر کرده‌اند، اما همین اختلاف نشان می‌دهد که تمیز سن مشخص و معینی ندارد و در هر مورد، باید مسئله فقهی را بر اساس شرایط خاص همان مورد بررسی کرد (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴۷).

به عنوان نمونه، در «توضیح المسائل» آمده است که بانوان باید در برابر پسر بچه‌ای که احتمال می‌رود نگاه کردن به او شهوت‌انگیز باشد، حجاب را رعایت کنند (توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵). بنابراین، ملاک در این مسئله، فهم شهوت است. همچنین، در مباحث مربوط به معاملات، ملاک تمیز، توانایی کودک در انجام تصرفات معقول دانسته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴۷).

۲. اقوال در مسئله

در مسئله مشروعیت عبادات کودکان، نظریات مختلفی میان فقه‌های شیعه مطرح شده است:

۱. مشروعیت عبادات کودکان؛
 ۲. تمرینی بودن عبادات کودکان؛
 ۳. صحت عبادات بدون مشروعیت آن؛
 ۴. شرعی تمرینی بودن عبادات کودک (درمقابل شرعی اصلی)؛
 ۵. شرعی بودن عبادات کودک همراه با اثبات ثواب برای ولی طفل.
- دراین میان، دونظریه نخست طرفداران بیشتری دارند و مشهوردرمیان علمای شیعه‌اند - که درادامه، قائلین به این دونظریه ذکر می‌شوند - اما سایر اقوال از شهرت چندانی برخوردار نیستند. ازاین‌رو، برای روشن شدن نظریه صحیح، ابتدا ادله اصل مشروعیت وعدم مشروعیت عبادات «صبی» مطرح خواهد شد و پس از آن، با بررسی سایر اقوال، می‌توان به نتیجه صحیح درمسئله دست یافت.

۱-۲. نظریه اول: مشروعیت عبادات کودکان

همان‌طورکه ذکر شد، مراد از مشروعیت عبادات صبی پیش از بلوغ، تشریع واجبات و محرمات در حق آنان نیست؛ بلکه مقصود آن است که واجبات برای آنان مانند مستحبات نزد بالغین تلقی می‌شود و محرمات برای کودکان، همچون مکروهات نزد بالغین است. زیرا یکی از شروط عامه تکلیف، بلوغ است (بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۰). بنابراین، اثبات مشروعیت به معنای وجوب نیست، بلکه به معنای جواز انجام عمل وامکان دریافت ثواب است.

مشهور فقهای شیعه، همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۸)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۸)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶۸)، محدث بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۳) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۱)، قائل به مشروعیت عبادات صبی شده‌اند و برای اثبات آن، ادله‌ای اقامه کرده‌اند.

۱-۲-۲. اطلاق ادله تکالیف

نخستین دلیل برای مشروعیت عبادات صبی، اطلاق اوامر شرعی است؛ چراکه ادله شرعی مقید به تکلیف نشده‌اند، بلکه به صورت مطلق، همگان - اعم از بالغ و صبی - را مورد خطاب قرار داده‌اند. برای نمونه، در ادله شرعی آمده است: ﴿وَأَقِمْوَا

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ۱۴۷۰۰

الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ ﴿بقره / ۴۳﴾ ونیز: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران / ۹۷) که دلالت بر وجوب نماز و زکات و حج دارند. این ادله و مانند آن‌ها با اطلاق خود، شامل کودکان نیز می‌شوند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که عبادات برای صبی نیز دارای مشروعیت است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۴۲).

همچنین، برخی در مقام اشکال نقضی مطرح کرده‌اند که هیچ کس اشکال نکرده است که تکالیف مستحبی دچار چنین تخصیصی شده باشند و هیچ یک از علما انجام مستحبات را برای صبی منع نکرده‌اند؛ در حالی که محل بحث تنها در تکالیف الزامی است (بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۲).

اما برخی در پاسخ به اطلاق ادله احکام الزامی، چنین اشکال کرده‌اند: درست است که ظاهر ادله اطلاق دارد؛ اما از آنجا که احکام الزامی تنها متوجه بالغان است و انجام این تکالیف برای کودکان الزامی نیست، پس این اطلاق، منصرف به خصوص بالغین است. آیت الله بجنوردی در القواعد الفقهیه پس از ذکر این اشکال، در پاسخ به مناقشه می‌فرماید: ادعای انصراف ادله به بالغین صحیح نیست؛ زیرا شارع مقدس در قانون‌گذاری و ابلاغ احکام به مکلفین، با عرف هماهنگ است و می‌دانیم که عرف میان انسان بالغ و انسانی که زمان اندکی تا بلوغ دارد، تفاوتی قائل نمی‌شود و هر دورا به یکسان مورد خطاب قرار می‌دهد. بنابراین، این ادعا که عمومات تکالیف تنها شامل بالغین می‌شود و غیر بالغین را در بر نمی‌گیرد، ادعایی بدون دلیل است (بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۲).

با این حال، به نظر می‌رسد که ادعای انصراف، صحیح باشد؛ زیرا همان‌طور که مرحوم نراقی بیان می‌کند، هیچ‌گونه اختلافی میان مسلمانان در اشتراط تکالیف به بلوغ وجود ندارد (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۹۱). پس با درک این نکته که تکالیف نسبت به صبی الزام‌آور نیستند، روشن می‌شود که اطلاقی برای ادله شکل نمی‌گیرد؛ چرا که هر امری که از شارع صادر می‌شود، منصرف به بالغین است؛ مگر اینکه خود شارع به خلاف آن تصریح کرده باشد. و از آنجا که شارع به خلاف آن تصریح نکرده و بلکه بر تأیید این انصراف تأکید کرده است، می‌توان گفت که ادعای انصراف، صحیح است.

۲-۱-۲. عمومات و اطلاعات ادله غیر تکلیفی

عمومات و اطلاعاتی وجود دارد که به تشویق در انجام عبادات می‌پردازند و در آن‌ها هیچ‌گونه تخصیص یا تقیدی به بالغین مشاهده نمی‌شود. به عنوان نمونه، در روایتی آمده است: «الصلاة قربانٌ كُلِّ تَقِيٍّ» (حرعاملی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۰)؛ یعنی نماز، وسیله‌ای برای تقرب به خداوند برای هر انسان پرهیزگار است. این روایت به صراحت بیان می‌کند که تقرب به خداوند از طریق نماز برای هر انسان باتقوایی ممکن است؛ چه بالغ باشد و چه نابالغ.

همچنین، در روایت دیگری آمده است: «الصومُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»؛ روزه سپری در برابر آتش است (حرعاملی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۹۸). در این روایت نیز هیچ‌گونه تخصیص یا قید خاصی برای بالغین ذکر نشده و ظاهر آن شامل کودکان نیز می‌شود. برخی از فقها نیز با استناد به این دسته از روایات، مشروعیت عبادات کودکان را تأیید کرده‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱۷).

با این حال، این استدلال تنها در کتاب مذکور مطرح شده و خالی از مناقشه نیست. چنان‌که در اصول فقه بیان شده است، حکم، موضوع ساز نیست؛ به عبارت دیگر، وقتی مولی می‌فرماید: «علما را اکرام کن»، این کلام صرفاً دلالت بر وجوب دارد و درباره ویژگی‌های علما سخنی نمی‌گوید. در مورد روایت مذکور نیز تنها بیان شده است که «نماز، وسیله تقرب به خداوند برای انسان پرهیزگار است»؛ اما این که آن انسان چه خصوصیتی باید داشته باشد - آیا بالغ باشد یا نابالغ - در روایت مشخص نشده است. بنابراین، نمی‌توان به سادگی حکم به وجود اطلاق در این دسته از روایات داد.

۲-۳-۱. امتنانی بودن حدیث رفع قلم

یکی از مهم‌ترین ادله برای نفی وجوب تکالیف الزامی از صبی، روایت «رفع قلم» است که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است:

«رفع القلم عن ثلاث: عن الصبي حتى يحتلم، وعن المجنون حتى يفیق، وعن النائم حتى يستيقظ»؛ قلم تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از کودک تا زمانی

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ۱۴۹...

که محتمل شود، از دیوانه تا زمانی که بهبود یابد و از کسی که خواب است تا زمانی که بیدار شود (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵).

این روایت، چنان که اکثر علما برداشت کرده اند، ناظر به یک نوع امتنان است و این امتنان تنها با برداشتن وجوب معنا می یابد. اگر قرار باشد مشروعیت نیز برداشته شود، در این صورت دیگر نمی توان آن را «امتنان» نامید، زیرا چنین برداشتی به ضرر صبی تمام خواهد شد. بنابراین، امتنان زمانی معنا دارد که تنها الزام و وجوب از صبی برداشته شود، ولی او همچنان بتواند در صورت تمایل، عبادات را انجام دهد و از ثواب آن بهره مند گردد (شاهرودی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۶).

مناقشه ای در این استدلال مطرح شده است که می گوید: صیغه امر و مانند آن که به تکالیف الزامی تعلق دارد، امری بسیط است و نمی توان بخشی از آن را باقی گذاشت و بخشی دیگر را برداشت. در نتیجه، یا امر شامل کودکان می شود - که در این صورت عبادت برای آن ها واجب خواهد بود و این خلاف اجماع فقهاست - یا این که امر به طور کامل برداشته شده و در نتیجه هم وجوب و هم مشروعیت از میان می رود (خویی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۲).

با این حال، می توان از این اشکال پاسخ داد و صحت استدلال را حفظ کرد. توضیح آن که رابطه «امر» و «مشروعیت» از نوع عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر امری، اثبات کننده مشروعیت است، ولی هر مشروعیتی لزوماً به امر الزامی نیاز ندارد. همان طور که در اصول فقه مطرح شده است، گاهی ممکن است مولی هیچ گونه امری صادر نکرده باشد، اما به طور قطعی غرض او به موضوعی تعلق گرفته است؛ مانند جایی که مولی در خواب است و فرزندش در حال غرق شدن. در این فرض، هر چند امر صریحی وجود ندارد، ولی غرض مولی به نجات جان فرزند تعلق دارد (صدر، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۳۲).

همچنین، در مبحث تراحم در اصول فقه آمده است که در جایی که «اهم» با «مهم» در تراحم باشد، امر از مهم برداشته می شود، اما ملاک آن باقی می ماند. بنابراین، انجام عمل مهم همچنان مشروع است (طباطبائی حکیم، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۷). در اینجا نیز همین حکم جریان دارد: ملاک امر همچنان موجود است. اگرچه امر

الزامی برداشته شده - وبله، امر بسیط است - اما ملاک باقی است. با توجه به اینکه روایت رفع قلم، ناظر به امتنان است، می‌توان نتیجه گرفت که ملاک حکم برای صبی موجود است؛ بنابراین، او می‌تواند قصد قربت کند و عمل مشروع را به جا آورد.

۴-۱-۲. وضعی بودن حکم صحت

دلیل دیگری که برای مشروعیت عبادات صبی مطرح شده، چنین است: احکام تکلیفی وابسته به بلوغ‌اند، در حالی که احکام وضعی، مانند صحت، مشروط به بلوغ نیستند. از این رو، حتی اگر عبادات صبی را صرفاً تمرینی بدانیم، ممکن است بتوان حکم به صحت آن‌ها داد. به عبارت دیگر، اگر صبی روزه را به صورت تمرینی به جا آورد، از آنجا که این عمل را به درستی انجام داده است، می‌توان نتیجه گرفت که عمل او صحیح بوده و در نتیجه، مستحق ثواب نیز خواهد بود. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اعمال صبی دارای مشروعیت‌اند (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۵۶).

با این حال، با بررسی دقیق‌تر معنای «صحت»، به ضعف این استدلال پی می‌بریم. گرچه صحت و فساد از احکام وضعی‌اند و بلوغ شرط آن‌ها به شمار نمی‌آید، اما معنای صحت، ناظر به مطابقت عمل با مأموریه است. بنابراین، پرسش اصلی این است که: آیا عبادات صبی مشروعیت دارند تا بتوان آن‌ها را مأموریه دانست و سپس بر اساس آن، حکم به صحت آن‌ها داد؟

در حقیقت، این استدلال ما را دوباره به پرسش نخست بازمی‌گرداند: آیا عبادات صبی اساساً مشروع هستند یا خیر؟ از این رو، نمی‌توان صرفاً با استناد به وضعی بودن صحت، به مشروعیت عبادات صبی حکم کرد (حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۶۹).

۵-۱-۲. روایات مشروعیت عبادات صبی

مهم‌ترین دلیل برای مشروعیت عبادات صبی، روایاتی است که در این زمینه وارد شده‌اند و می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱-۵-۱-۲. روایات صریح در مشروعیت عبادات صبی

از جمله این روایات، روایت عبدالرحمن بن حجاج از ابی عبدالله علیه السلام است که

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ... ۱۵۱

می‌فرماید: «الحجَّ واجبٌ علی الناسِ، الصغیر والکبیر»؛ حج بر همه مردم واجب است، کوچک و بزرگ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۱۴).

این روایت به روشنی بر وجوب حج برای کودکان تأکید می‌کند. با توجه به اینکه بلوغ یکی از شروط کلی تکلیف است، می‌توان نتیجه گرفت که مراد از وجوب در اینجا، مشروعیت حج برای کودکان و بالغین است؛ چراکه هیچ شکی در عدم وجوب حج بر کودکان وجود ندارد. از این رو، این روایت صراحت در مشروعیت عبادت برای کودکان دارد.

۲-۵-۱-۲. روایاتِ آمر به عبادت صبی

این دسته شامل روایات متعددی است که بر ضرورت عبادت در سنین پایین تأکید دارند، از جمله:

— امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانشان نقل می‌کنند: «مُرُوا صِبَّانَکُم بِالصَّلَاةِ إِذَا کَانُوا بَنَى سَبْعٍ، وَاضْرِبُوهُمَ عَلَیْهَا إِذَا کَانُوا بَنَى عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَیْنَهُمْ فِی الْمَضَاجِعِ»؛ کودکان خود را به نماز امر کنید، زمانی که به هفت سالگی رسیدند، و آن‌ها را از خواب بیدار کنید، زمانی که به ده سالگی رسیدند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

این روایت، نشان‌دهنده اهمیت آموزش عبادت از سنین پایین است.

— همچنین، امام کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «مُرُوا صِبَّانَکُم بِالصَّلَاةِ إِذَا کَانُوا بَنَى سَبْعٍ سَنَیْنٍ، وَاضْرِبُوهُمَ عَلَیْهَا إِذَا کَانُوا بَنَى تَسْعِ سَنَیْنٍ»؛ کودکان خود را به نماز امر کنید زمانی که به هفت سالگی رسیدند، و آنان را تأدیب کنید زمانی که به نه سالگی رسیدند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۵، ص ۱۳۲).

تأکید بر تأدیب و آموزش در سنین مختلف، نشان می‌دهد که عبادت باید بخشی از فرایند تربیت کودکان باشد.

— در روایت دیگری از امام کاظم علیه السلام آمده است: «إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ صَارَتْ عَلَیْهِ الصَّلَاةُ وَالصَّیَامُ»؛ نماز بر کودک واجب می‌شود زمانی که عاقل شود و روزه زمانی که توانایی انجام آن را داشته باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۹۴). این جمله، به وضوح بر اهمیت فهم و توانایی در انجام عبادات تأکید دارد.

— همچنین، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که کودکان را به روزه گرفتن امر

می‌کرد، و اگر مشاهده می‌کرد که گرسنگی یا تشنگی به کودک فشار آورده است، او را به افطار دستور می‌داد (ابن حنّون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۴).

این روایات به وضوح نشان می‌دهند که عبادت باید از سنین پایین آغاز شود و به تدریج به فرزندان آموزش داده شود.

این روایات به دو طریق می‌توانند مشروعیت عبادات صبی را اثبات کنند:

تقریب اول: عدم قید تمرینی

در این روایات، به صورت مطلق، به امر والدین به نماز اشاره شده و هیچ قیدی مبنی بر تمرینی بودن آن ذکر نگردیده است. از این رو، می‌توان از این اطلاق چنین فهمید که امر یاد شده، ناظر به مشروعیت عبادت است. اگر عبادات صبی مشروع نبود، لازم بود امام معصوم علیه السلام تصریح کند که والدین باید کودکان را تنها برای تمرین به نماز امر کنند و کودک نیز نباید قصد قربت نماید. بنابراین، فقدان این قید می‌تواند نشانه‌ای بر مشروعیت عبادات صبی باشد و حاکی از آن است که عبادات در نظر امامان معصوم علیهم السلام برای کودکان نیز دارای ارزش و مشروعیت است.

تقریب دوم: شدت امر

شدت امر در این روایات نیز می‌تواند دلیلی بر مشروعیت عبادات صبی باشد؛ چرا که امام علیه السلام در این روایات به فشار آوردن و سخت‌گیری نسبت به کودک در سن نه یا ده سال اشاره کرده‌اند. از آنجا که اگر عملی مشروع نباشد، امر و تشویق به آن بی‌معنا خواهد بود - و صرف تمرین، نیازمند فشار و تأدیب نیست - این شدت در توصیه و الزام، می‌تواند نشانه‌ای بر مشروعیت عبادات صبی باشد. تأکید بر اهمیت عبادت در سنین پایین و لزوم آموزش صحیح آن به کودکان، حاکی از توجه ویژه اسلام به تربیت دینی فرزندان است.

۲-۵-۳. دلالت التزامی روایات بر مشروعیت عبادات صبی

اگرچه این دسته از روایات به طور مستقیم دلالتی بر مشروعیت عبادات صبی ندارند، اما دلالت التزامی آن‌ها برای اثبات این امر کفایت می‌کند. در این روایات، حکم به صحت برخی اعمال تکلیفی یا وضعی کودک داده شده است. از آنجا که عمل او صحیح شمرده شده، می‌توان نتیجه گرفت که عمل او مشروع بوده است؛ زیرا روشن است که عمل نامشروع، صحیح نیست.

این گونه روایات فراوان اند، از جمله:

امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ عَشْرَ سَنِينَ أَعْتَقَ وَتَصَدَّقَ مِنْ مَالِهِ وَأَوْصَى»؛ زمانی که پسر به ده سالگی رسید، می تواند بنده آزاد کند، از مالش صدقه دهد و وصیت کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۸).

این روایت نشان می دهد که کودک در این سن می تواند در مال خود تصرفاتی انجام دهد که نشانه مشروعیت و نفوذ اعمال اوست.

همچنین از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ جَازَ طَلَاؤُهُ وَصَدَقَتَهُ وَوَصِيَّتُهُ»؛ زمانی که پسر عقل کامل پیدا کند، اما هنوز بالغ نشده باشد، طلاق او، صدقه اش و وصیتش نافذ است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۸۵).

این روایت نیز نشان می دهد که عقل و درک کودک در انجام برخی اعمال دینی و اجتماعی ملاک قرار می گیرد.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ سَبْعَ سَنِينَ أَوْصَى مِنْ مَالِهِ بِقَدْرِ سَبْعِينَ»؛ زمانی که پسر به هفت سالگی برسد، می تواند مقدار اندکی از مال خود را وصیت کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۹).

این روایت نیز به روشنی بیان می کند که کودک از سنین پایین، می تواند در امور مالی خود تصرف کند.

بنابراین، این روایات نشان می دهند که تصرفات و دیگر اعمال مشروط به بلوغ، در حق صبی جایز و نافذ است. از این رو، می توان نتیجه گرفت که عبادات صبی در مرحله پیشین نیز مشروع بوده اند و پس از آن، حکم به نفوذ تصرفات صبی شده است. این تأکید بر مشروعیت اعمال کودکان، بیانگر اهمیت تربیت دینی و مذهبی آنان از سنین پایین است و می تواند برای والدین و مربیان، راهنمایی روشن در مسیر تربیت صحیح فرزندان باشد.

۶-۱-۲. حکم عقل

از نظر نگارندگان، یکی دیگر از دلایلی که می توان برای مشروعیت عبادات کودکان اقامه نمود، حکم عقل است. عقل در زمینه مستقلات عقلی، به طور مستقل به حسن

وقبح افعال حکم می‌کند. برای نمونه، فاعل عدل و کسی که امانت را رعایت می‌کند، مستحق مدح است، در حالی که فاعل ظلم و بی‌عدالتی مستحق ذم خواهد بود. در این میان، عقل هیچ تفاوتی میان فاعل بالغ و غیر بالغ قائل نمی‌شود.

با توجه به ملازمه‌ای که میان حکم عقل و شرع وجود دارد، هرگاه عقل به چیزی حکم کند، شرع نیز آن را تأیید می‌نماید. بنابراین، پس از اثبات حسن عقلی عبادات کودکان، استحقاق ثواب شرعی نیز به دنبال آن خواهد آمد؛ و می‌توان نتیجه گرفت که عبادات کودکان مستحق ثواب است.

این استدلال، هرچند مختص مواردی است که در شمار مستقلات عقلی به شمار می‌آیند، اما با توجه به اینکه میان انواع واجبات تفکیکی وجود ندارد، می‌توان به صحت تمام عبادات کودکان حکم کرد.

البته، لازم به ذکر است که این استدلال مبتنی بر پذیرش چند اصل است:

اولاً، قاعده ملازمه؛

ثانیاً، اجماع مرکب؛

وثالثاً، ملازمه میان ثواب و مشروعیت عمل.

بنابراین، با فرض پذیرش این مبانی، می‌توان به مشروعیت عبادات کودکان حکم نمود.

۲-۲. نظریه دوم: عدم مشروعیت عبادات صبی

نظریه دوم بر این باور است که عبادات کودکان مشروع نیستند؛ بنابراین، کودک در برابر انجام تکالیف و واجبات، هیچ‌گونه ثواب یا پاداشی از جانب خداوند دریافت نمی‌کند. با این حال، ولی کودک می‌تواند ثواب تمرین دادن او را کسب نماید. این دیدگاه در میان فقهای شیعه طرف دارانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«علامه حلی می‌نویسد: «لأن الصبي مرفوع عنه القلم، فلا يُحكم بمشروعية التكالیف في حقّه»؛ چون کودکان شرط اصلی تکلیف را ندارند، لذا نمی‌توان به مشروعیت تکالیف در حق آنان حکم کرد (حلی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶).

شهید ثانی نیز بیان می‌کند: «مشروعية صوم الصبي غير مقبولة، لأن الخطابات

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ۱۵۵...

التكليفية تتعلق بالبالغين، والرأي الصحيح أنَّ عبادات الصبي تمرينية فقط، وليست شرعية؛ مشروعیت روزه کودک پذیرفتنی نیست؛ زیرا خطابات تکلیفی متوجه بالغین است، و نظر صحیح این است که عبادات کودک تنها جنبه تمرینی دارند و شرعی نیستند (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵).

محدث بحرانی نیز در خصوص روزه کودک می گوید: «صوم الصبي غير صحيح، كما لا يُقبل صوم المجنون لعدم القصد الصحيح»؛ روزه کودک صحیح نیست، همان گونه که روزه دیوانه به دلیل نبود قصد صحیح پذیرفته نمی شود (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۱۶۵).

برای اثبات این نظریه، به چندین دلیل تمسک شده است:

۲-۱-۲. مشروعیت به بلوغ

اولین و شاید مهم ترین دلیل برای عدم مشروعیت تکلیف، مشروط بودن آن به بلوغ است. به عبارت دیگر، زمانی که شرط (بلوغ) از میان برود، مشروط (تکلیف) نیز منتفی می شود. بنابراین، از آن جا که کودکان شرط اصلی تکلیف را ندارند، نمی توان به مشروعیت تکالیف در حق آنان حکم کرد (حلی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶).

این استدلال، خالی از مناقشه نیست؛ زیرا در شریعت، واجبات و محرمات مشروط به بلوغ شده اند. به بیان دیگر، اگر قرار باشد تکلیفی واجب شود، یکی از شروط شرعی آن بلوغ است؛ اما بلوغ، مانع عقلی به شمار نمی آید و می توان در نبود بلوغ، به مشروعیت عبادات صبی حکم کرد. در واقع، بلوغ تنها مانع وجوب است و الزام را از ناحیه شارع برمی دارد، ولی این به معنای عدم جواز و عدم مشروعیت عمل نیست.

بنابراین، مستدل باید اثبات کند که در صورت نبود بلوغ، اصل مشروعیت تکلیف نیز منتفی است؛ حال آن که صرف اثبات عدم وجوب، کافی برای اثبات عدم مشروعیت نیست (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۴۲).

همچنین، چنان که در پایان بحث مربوط به امتنانی بودن حدیث رفع نیز اشاره شد، رابطه میان «امر» و «مشروعیت» از نوع عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر امری، مثبت مشروعیت است، اما هر مشروعیتی لزوماً نیازمند امر الزامی نیست.

بنابراین، اگرچه امر برداشته می‌شود، اما این بدان معنا نیست که مشروعیت نیز منتفی شود. بلکه ملاک همچنان وجود دارد و می‌توان براساس آن، به مشروعیت عبادات صبی حکم نمود.

۲-۲-۲. روایات

برای استدلال به عدم مشروعیت عبادات صبی، به روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام استناد شده است. ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: خرج رسول الله صلی الله علیه و آله حاجًا فمرَّ بامرأة ومعها صبي، فقالت: يا رسول الله، ألهذا حج؟ قال: نعم، ولك أجره»؛ عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام نقل می‌کند که گفت: شنیدم ایشان می‌فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله در حال حج بودند که زنی به ایشان نزدیک شد و کودکی را با خود داشت. گفت: ای رسول خدا، آیا برای این کودک حج هست؟ حضرت فرمودند: بله، و پاداش آن برای توست (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۷).

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاداش حج را برای مادر کودک تعیین کرده‌اند، که به نظر می‌رسد دلالت بر عدم مشروعیت عبادات صبی دارد. یعنی برای کودک، پاداشی در نظر گرفته نشده و تنها پاداش به مادر تعلق گرفته است.

برای پاسخ به این استدلال، ابتدا باید نکاتی را متذکر شد:

۱. تأمل در معنای روایت: پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله به این صورت است: «قَالَ نَعَمْ وَلَكَ أَجْرُهُ». این جمله می‌تواند بدین معنا باشد که حج کودک صحیح است و او نیز از ثواب آن بهره‌مند می‌شود. بنابراین، هم کودک و هم مادر در این عمل نیک، از ثواب برخوردار خواهند شد.

۲. قضیه اطلاق و تقیید: در علم اصول گفته می‌شود که مثبتین نمی‌توانند یکدیگر را تقیید بزنند (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۸۰). به این معنا که اگر روایات دیگری وجود داشته باشند که مشروعیت عبادات صبی را تأیید می‌کنند، این روایت نمی‌تواند نقش مقید داشته باشد. در نتیجه، روایات دیگر که به مشروعیت عبادات صبی اشاره دارند، همچنان معتبر خواهند بود.

با توجه به این دو نکته، روشن می‌شود که با وجود روایات پیشین که بر مشروعیت

عبادات صبی دلالت دارند، می‌توان نتیجه گرفت که کودک در انجام عبادات خود پاداش می‌گیرد و ولیّ او نیز به سبب تربیت و هدایت فرزند، از پاداش الهی بهره‌مند خواهد شد. بنابراین، استدلال به عدم مشروعیت عبادات صبی با این روایت، قانع‌کننده نیست و نمی‌تواند در برابر سایر روایات، نقش معارض یا مقید ایفا کند.

۲-۲-۳. فهم عرف

یکی دیگر از دلایل مبتنی بر عدم مشروعیت عبادات صبی، فهم عرف است. بر اساس این استدلال، زمانی که عرف شخصی را «مرفوع القلم» می‌داند، گفتار و کردار او را فاقد اعتبار تلقی می‌کند و آن‌ها را در حکم افعال حیوانات می‌پندارد. بنابراین، عبادات صبی نیز از درجه مشروعیت ساقط خواهند شد (بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۷).

این استدلال نیز از جهات صغری و کبری دچار مناقشه است:

- نقص در صغری:

فهم عرف به تنهایی حجت نیست، مگر آنکه به حد ظهور برسد. در اینجا، چنین ظهوری اثبات نشده و مستدل نیز ادعای ظهور نکرده است؛ در نتیجه، نمی‌توان فهم عرف را معتبر دانست.

- عدم اعتبار حکم عرف:

این فرض که عرف شخصی را به صرف مرفوع القلم بودن، همانند بهائم تلقی کند، فاقد دلیل است. واقعیت این است که عرف، به افعال صبی اهمیت می‌دهد و سعی در اصلاح و جهت‌دهی آن دارد. بنابراین، افعال و عبادات کودک را از درجه اعتبار ساقط نمی‌داند.

- لزوم تأیید شارع:

حتی اگر عرف چنین تصویری داشته باشد، این برداشت تنها در صورتی حجت است که شارع نیز آن را تأیید کند. حال آنکه بر اساس روایاتی که در بخش مستدلین به مشروعیت عبادات صبی مطرح شد، شارع افعال او را پذیرفته و به آن‌ها ثواب تعلق داده است. پس تنها در صورتی می‌توان به فهم عرف استناد کرد که مطابق با نظر شارع باشد؛ در غیر این صورت، فاقد حجیت است. بر این اساس، استدلال مبتنی

برفهم عرف نیز دچار اشکالات جدی است و نمی‌تواند به عنوان دلیل معتبر برای نفی مشروعیت عبادات صبی پذیرفته شود.

با توجه به دلایل ارائه شده و مناقشات وارد بر آن‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که ادله طرف‌داران مشروعیت عبادات صبی از قوت بیشتری برخوردار است. بنابراین، حکم به مشروعیت عبادات صبی تقویت می‌شود و ضعف سایر اقوال نیز آشکار می‌گردد. برای نمونه، قول سوم که قائل به صحت عبادات صبی است ولی آن‌ها را فاقد مشروعیت می‌داند، نادرست است؛ چراکه صحت به معنای انطباق عمل با مأثور به است. اگر عبادت کودک صحیح باشد، به این معناست که شارع به آن امر کرده است و وجود امر شارع نیز به وضوح مستلزم مشروعیت است؛ زیرا همان‌طور پیش‌تر بارها گفته شد، هر عملی که شارع به آن امر کرده باشد، مشروع است.

افزون بر این، قول چهارم که می‌گوید عبادات کودک «شرعی تمرینی» است نه «شرعی اصلی» (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸۷)، در واقع اصطلاحی بی‌مبنای علمی است؛ چراکه یا عملی شرعی هست و یا نیست. اگر شرعی باشد، باید در چارچوب یکی از دو صورت «وجوب» یا «استحباب» اتیان گردد، و تعبیر «شرعی تمرینی» صرفاً یک جعل اصطلاحی بدون پایه اصولی و فقهی است. کسانی که از این تعبیر استفاده کرده‌اند، باید آن را به درستی تبیین و توجیه کنند.

همچنین، قول پنجم که ترکیبی از قول اول - مشروعیت عبادات صبی - و روایت عبدالله بن سنان است - عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام نقل می‌کند که گفت شنیدم اومی گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله در حال حج بودند که زنی به ایشان نزدیک شد و کودکی را با خود داشت و گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله، آیا برای این کودک می‌توان حج انجام داد؟ حضرت فرمودند: بله، و پاداش آن برای توست» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۷) و بر این اساس، قائل است که عبادت کودک شرعی است، اما ثواب آن برای ولی اوست، نیز با همان اشکال قول سوم مواجه است. اگر عمل، شرعی باشد، یعنی شارع به آن امر کرده است و همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، هر جا که امر باشد، ثواب نیز برای فاعل آن در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، منطقی نیست که فاعل عمل شرعی، از ثواب آن محروم باشد و دیگری به جای او پاداش بگیرد.

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ۱۵۹۰۰

در نتیجه، همان طور که مشهور فقهای شیعه معتقدند، قول صحیح در این مسئله، مشروعیت عبادات صبی است.

۳. بررسی آثار صحت عبادات صبی

۳-۱. صحت نماز و روزه صبی

باید به این نکته توجه داشت که میان «واجب» بودن یک عمل و «صحت» آن تلازمی وجود ندارد. نماز که بر فرد بالغ، واجب و مشروع است، صحیح نیز هست؛ اما درباره صبی، گرچه نماز بر او واجب نیست، می تواند صحیح باشد. زیرا «بلوغ، شرط وجوب است، نه شرط صحت». بنابراین، عدم وجوب ملازم با عدم صحت یا عدم مشروعیت نیست. از این رو، بسیاری از علما به عدم ملازمه میان این دو قائل اند. علامه حلی رحمته الله با اینکه قائل به عدم وجوب نماز بر صبی است، اما معتقد است که نماز او شرعی است؛ و این شرعی بودن، به معنای صحت نماز صبی است (حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳۱).

صاحب جواهر رحمته الله نیز تصریح کرده است که بر اساس شرعیت نماز صبی، هر شرطی که برای نماز بالغ لازم است، برای صبی نیز لازم خواهد بود. بنابراین، زن نمی تواند پیش از او یا در محاذات او نماز بخواند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۲۹).

نراقی رحمته الله نیز بر این نکته تأکید کرده است: «لمنع خروج عبادات الصبی عن الشرعية بإطلاقها، وإما هي خارجة عن الواجبة على نفسها»؛ یعنی عبادات صبی، اگرچه بر او واجب نیست، اما شرعی است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۰۸).

نتیجه آن که، اعمال عبادی صبی با این که بر او واجب نیست، چون شرط عام تکلیف یعنی بلوغ را ندارد، اما صحیح و شرعی اند و ثواب نیز بر فاعل آن ها مترتب خواهد شد.

۳-۲. آثار تربیتی

یکی از مهم ترین آثار این بحث، ثمرات تربیتی آن برای کودکان و والدین است. اگر کودکان گمان کنند که اعمال عبادی شان که معمولاً با مشقت نیز همراه است هیچ

ثمره‌ای ندارد و بی‌فایده است، به‌طور طبیعی انگیزه خود را برای انجام این اعمال از دست خواهند داد. همچنین، اگر از نظر والدین نیز این اعمال فاقد مشروعیت تلقی شود، آنان نیز انگیزه‌ای برای تشویق کودک به عبادت نخواهند داشت؛ و در نتیجه، اهمیت فراوانی که اسلام برای تشویق کودکان به اعمال عبادی قائل است، به تدریج کم‌رنگ خواهد شد.

بنابراین، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ثمرات این مسئله، آثار تربیتی آن در تقویت انگیزه عبادی در کودکان و حفظ نقش هدایت گروالدین است.

نتیجه‌گیری

پس از تشریح اصطلاحات مطرح شده، ادله طرفین در باب مشروعیت و عدم مشروعیت عبادات کودکان مورد بررسی قرار گرفت. از میان این دو دیدگاه، ادله قائلین به مشروعیت عبادات کودکان از اتقان و استحکام بیشتری برخوردار بود. مهم‌ترین دلیل در این زمینه، مجموعه‌ای از روایات بود که یا به‌صورت مستقیم و یا با دلالت التزامی، بر مشروعیت عبادات صبی دلالت داشتند.

افزون بر این، دلایل دیگری نیز در تأیید این مدعا مورد بحث و بررسی قرار گرفت که برخی از آن‌ها مورد پذیرش واقع شدند و برخی دیگر با مناقشات مواجه شدند. در مقابل، هیچ‌یک از ادله قائلین به عدم مشروعیت عبادات صبی پذیرفته نشد و همگی مورد اشکال واقع گردیدند.

در نهایت، روشن شد که ادله قائلین به مشروعیت عبادات صبی از قوت و انسجام بیشتری برخوردار است و می‌توان با اطمینان، به آن التزام پیدا کرد.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴ ه.ق)، الخصال، تهران: کتابخانه اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ ه.ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
۳. بجنوردی، سید میرزا حسن موسوی، (۱۳۱۹ ه.ق)، القواعد الفقهية، نجف: ادب.
۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ ه.ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵. حکیم، سید محسن طباطبایی، (۱۴۱۶ ه.ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسة دارالتفسیر.

بررسی تحلیلی روایات و آراء فقهی در مشروعیت عبادات کودکان / حمیدرضا یغمائی و ... ۱۶۱

۶. حلی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ هـ.ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷. حلی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ هـ.ق)، المعترف فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۸. خوئی، ابوالقاسم، (۱۳۵۲ ش)، أجود التقريرات، قم: مطبعة العرفان.
۹. خوئی، ابوالقاسم، (بی تا)، مصباح الفقاهة، نجف: ادب.
۱۰. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی، (بی تا)، کتاب الحج، قم: مؤسسه انصاریان.
۱۱. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۰۵ هـ.ق)، رسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۲ هـ.ق)، الدروس الشرعية، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین عاملی، (۱۴۱۴ هـ.ق)، مسالك الأفهام فی شرح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۴. صدر، محمدباقر، (۱۴۱۷ هـ.ق)، بحوث فی علم الأصول (چاپ دوم)، قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ هـ.ق)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. طباطبائی حکیم، محمد سعید، (۱۴۲۸ هـ.ق)، الکافی فی أصول الفقه، بیروت: دارالهلل.
۱۷. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ هـ.ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۸. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ هـ.ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۹. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ هـ.ق)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضوية.
۲۰. عاملی، محمد بن علی موسوی، (۱۴۱۱ هـ.ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲ هـ.ق)، فقه الصادق علیه السلام، بی جا: مدرسة الإمام الصادق علیه السلام.
۲۲. حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷ هـ.ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴ هـ.ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ هـ.ق)، مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه.
۲۵. خمینی، روح الله؛ فاضل موحدی لنکرانی، محمد؛ خامنه ای، علی؛ گلپایگانی، محمدرضا؛ خوئی، ابوالقاسم؛ تبریزی، جواد؛ مکارم شیرازی، ناصر؛ بهجت، محمد تقی؛ صفائی گلپایگانی، لطف الله؛ اراکی، محمد علی؛ سیستانی، علی؛ شبیری زنجانی، موسی؛ نوری همدانی، حسین، (۱۳۸۱)، توضیح المسائل مراجع، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ هـ.ق)، العین، قم: مؤسسه دارالهجرة.

۱۶۲ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۴، ش ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۴ ه.ق)، قاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. عاصف افتخاری، محمد، (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، بررسی مشروعیت عبادات کودکان نابالغ از منظر فقه اهل بیت علیهم‌السلام، دوفصلنامه علمی - تخصصی خانواده درآینه فقه، شماره ۵.
۲۹. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (چاپ چهارم)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۰. مجلسی (علامه)، محمدباقر اصفهانی، (۱۴۱۰ ه.ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ ه.ق)، قواعد فقه (محقق داماد) (چاپ دوازدهم)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۲. محمدزاده رهنی، محمدرضا، (پاییز ۱۳۹۰)، بررسی مشروعیت عبادات کودکان از دیدگاه فقه امامیه، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات حقوق اسلامی، شماره ۲۵.
۳۳. مقدادی داوودی، مهدی، (بهار ۱۳۹۸)، بررسی احکام وضعی و تکلیفی صبیان از نگاه فقه امامیه، پژوهش‌های فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره ۲.
۳۴. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، (۱۳۸۵ ه.ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۵. نجفی، صاحب جواهر، محمد حسن، (۱۴۰۴ ه.ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. نراقی، ملا محمد مهدی بن ابی‌ذر، (۱۴۱۵ ه.ق)، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۷. نوری، محدث، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۸. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ ه.ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.